

Research Article		
Vol. 4, Issue. 2, September 2024 (P.17-35)		
	Journal of Religious Research & Efficiency	

“The Solution for Efficiency of Connections Without the Intention of Proximity through the Order of Reward”

Ali Ghardran Gharamaleki^{1*}

1. Assistant Professor, Faculty of Theology and Islamic Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

DOI: 10.22034/nrr.2024.62410.1337 URL: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_18441.html	
Corresponding Author: Ali Ghardran Gharamaleki	ABSTRACT In Islamic teachings, reward as a recompense for good deeds holds a central position. The vast majority of scholars have conditioned the attribution of reward to non-obligatory acts on the presence of the intention for divine proximity. In contrast, a minority have rejected this condition and believed in the attribution of reward to non-obligatory acts without the intention for divine proximity. This issue plays a significant role in the effectiveness of non-obligatory rulings. This research investigates the role of the intention for divine proximity in the attribution of reward to non-obligatory acts and evaluates the arguments of both sides. This study aims to carefully examine this issue and explain the correct viewpoint. To achieve this goal, the author of this research-oriented study has gathered the necessary information through library research and has analyzed the issue and its branches through rational and textual, comparative, and critical analysis. In this research, after examining the concept of reward, its criteria, and the standards for attributing reward, the viewpoints and arguments of both sides of the debate have been examined and analyzed. The findings of the research indicate that the truth and nature of reward, its criteria and standards, as well as the distinction between natural reward and conventional reward play a key role in resolving this issue. Based on these findings, a new viewpoint is presented according to which conventional reward is not attributed to non-obligatory acts lacking the intention for divine proximity; however, this does not mean the absence of a reward for these types of good deeds, and these deeds are rewarded in a form other than reward and in a necessary and obligatory manner, which plays a fundamental role in the effectiveness of non-obligatory acts. Moreover, non-obligatory acts have a natural reward.
Email: a.ghardran@tabrizu.ac.ir	
Received: 2024/07/09 Detected: 2024/09/02 Accepted: 2024/09/8 Available: 2024/09/19	
Open Access 	
Keywords: Optimization of supererogatory actions, Intention of proximity to God in supererogatory, Attribution of reward to supererogatory actions, Moral beauty of the agent, Intrinsic goodness of the action itself	



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



راهکار کارآمدسازی توصیلات فاقد قصد قربت از رهنمای ترتب ثواب

علی قدردان قراملکی^{۱*}

۱. استادیار دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

DOI: 10.22034/nrr.2024.62909.1358

URL: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_18521.html

چکیده

نویسنده مسئول:

علی قدردان قراملکی

ایمیل:

a.ghadrdan@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۹



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

کارآمدسازی توصیلات، قصد قربت در توصیلات، ترتب ثواب بر توصیلات، حُسن فاعلی، حُسن فعلی.

در آموزه‌های دین اسلام، ثواب به عنوان پاداش اعمال نیک، جایگاه محوری دارد. اکثریت قریب به اتفاق اندیشمندان ترتب ثواب بر اعمال توصیلی را مشروط به وجود قصد قربت دانسته‌اند. در مقابل عده‌ای این شرط را نپذیرفته و به ترتب ثواب بر اعمال توصیلی بدون قصد قربت معتقد شده‌اند. این مسأله در کارآمدسازی احکام توصیلات نقش مهمی دارد. در این تحقیق، مسأله نقش قصد قربت در ترتب ثواب بر توصیلات مورد بررسی و ادله طرفین مورد ارزیابی قرار گرفت. این پژوهش با هدف بررسی دقیق این موضوع و تبیین دیدگاه صحیح انجام شده است. برای نیل به این هدف، در این تحقیق مسأله محور نگارنده با تحقیق کتابخانه‌ای اطلاعات مورد نیاز را گردآوری کرده و با تحلیل عقلی و نقلی، مقایسه‌ای و انتقادی به تبیین و تحلیل مسأله و فروع آن پرداخته است. در این پژوهش، پس از واکاوی مفهوم ثواب و معیارها و ملاک‌های ترتب ثواب، دیدگاه و ادله طرفین مباحثه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حقیقت و چیستی ثواب، معیار و ملاک آن و همچنین تمایز بین ثواب تکوینی و ثواب قراردادی نقشی کلیدی در حل این مسأله ایفا می‌کنند. بر اساس این یافته‌ها، دیدگاه جدیدی ارائه می‌شود که طبق آن، بر اعمال توصیلی فاقد قصد قربت ثواب قراردادی مترتب نمی‌شود؛ اما این به معنای فقدان پاداش برای این دسته از افعال نیک نبوده و بر این افعال پاداش‌هایی در قالبی غیر از ثواب و به صورت حتمی و واجب مترتب می‌شود که نقشی اساسی در کارآمدسازی توصیلات دارد. همچنین افعال توصیلی دارای ثواب تکوینی هستند.

در متون دینی دستورات مختلف و متعددی طرح شده که احکام مختلفی را بر دوش مکلفان قرار می‌دهند. این احکام در تحلیلی به دو قسم تبعدی (عبادی) و توصلی (غیر عبادی) تقسیم می‌شوند. عبادت در لغت به معنای پرستش، خضوع و فروتنی، اطاعت و پیروی خاشعانه آمده است. (فیومی، بی‌تا: مدخل «عباده»؛ طریحی، ۱۴۱۶ق: مدخل «عباده») توصل نیز در معنای به چیزی رسیدن یا پیوستن به کار رفته است. (جوهری، ۱۴۱۰ق: مدخل «توصل»)

اشترای و لزوم وجود قصد قربت و عدم اشتراط آن در اعمال، موجب تحلیل و تقسیم افعال انسان به تبعدی و توصلی شده است.^۱ در دانش اصول فقه به واجباتی که فقط با وجود قصد قربت ساقط می‌شوند واجب تبعدی و به واجباتی که صرف انجام آن‌ها با هر قصد و نیتی موجب سقوط تکلیف می‌شوند واجب توصلی اطلاق می‌شود.^۲ (محقق خراسانی، ۱۳۷۲: ۹۴-۹۵)

به دیگر سخن، با بررسی این افعال نیک و پسندیده، روشن می‌شود که گاهی قصد قربت جزء و بخشی از عمل است که بدون آن عمل ناقص و ناتمام است و گاهی این‌گونه نبوده و قصد قربت نقش و جایگاهی در حقیقت عمل ندارد. قسم نخست افعال عبادی و قسم دوم افعال غیر عبادی هستند، لذا در صورت عدم همراهی قصد قربت در عبادات، عمل به صورت ناقص انجام شده که حکم به بطلان آن شده و دستور الهی نیز اتیان نشده است. در اعمال غیر عبادی فقدان قصد قربت خللی در عمل ایجاد نکرده و عمل به صورت کامل انجام شده است، لذا به وظیفه عمل و تکلیف ساقط شده است.

تقسیم اعمال به توصلی و تبعدی صرفاً به واجبات محدود نمی‌شود و مستحبات نیز مشمول این تقسیم‌بندی می‌شوند. مستحبات تبعدی، افعال نیکی هستند که به حد وجوب و الزام نرسیده‌اند و قصد قربت یکی از اجزاء آن‌هاست و بدون قصد قربت به صورت صحیح انجام نمی‌شوند. مستحب توصلی عمل مطلوبی است که آن نیز به حد وجوب نرسیده؛ اما قصد قربت از اجزاء آن نبوده و بدون قصد قربت امکان انجام آن هست. (کاظمی خراسانی، ۱۳۷۶: ۱۳۸/۱)

۱. توصلیات در تحلیلی به دو صورت عام و خاص قابل تقسیم هستند. توصلیات به صورت عام شامل هر فعل غیر عبادی می‌شود که دربر گیرنده واجبات توصلی، مستحبات توصلی و مباحات است. توصلیات به صورت خاص صرفاً شامل واجبات و مستحبات توصلی هستند، بنابراین در نوع نخست توصلیات به افعال نیک و غیر نیک تقسیم می‌شوند؛ اما در تقسیم دوم، افعال توصلی صرفاً نیک هستند. در این تحقیق مقصود از توصلیات قسم دوم است.

۲. البته برخی به جای تحلیل افعال به تبعدی و توصلی، آن‌ها را به تقربی و توصلی تقسیم کرده‌اند. تقریبات لزوماً عبادت نبوده و خود به دو قسم تبعدی (عبادی) نظیر نماز و روزه و غیر تبعدی (غیر عبادی) نظیر پرداخت زکات تحلیل می‌شوند. در توصلیات نیز اساساً قصد قربت شرط نشده است. (ر.ک: خمینی، ۱۳۹۸: ۲۵۹/۱؛ سبحانی، ۱۴۱۷ق: ۴۳)

گفتنی است، معیار و ملاک بیان شده در تحلیل افعال به تبعیدی و توصلی، دیدگاه رایج و معروف در مسأله است؛ اما اصولیون متقدم امامیه و همچنین اهل تسنن معتقدند که معیار تقسیم افعال به تبعیدی و توصلی، علم به معیار و ملاک تکلیف است. در صورتی که انسان حکمت و غرض افعال مورد توجه خدا را بداند، آن عمل توصلی و در صورت فقدان علم به حکمت، عمل عبادی می‌باشد. برای نمونه، انسان حکمت و فلسفه نجات غریق را می‌داند؛ اما از حکمت نماز و روزه اطلاعی ندارد، لذا نجات غریق عملی توصلی و نماز و روزه اعمال تبعیدی هستند. (ضیاء الدین عراقی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۲۲۹؛ مظفر، ۱۳۷۵: ۷۶/۱؛ شاطبی، ۱۹۹۲م: ۷۹/۲-۸۰)

در دانش کلام نیز تبعیدی در مقابل ارشادی قرار گرفته که مقصود مسأله‌ای است که عقل راهی به ادراک آن نداشته و صرفاً دارای دلیل نقلی است که باید تعبداً و نه عقلاً آن را پذیرفت. در مقابل دستوراتی قرار دارند که عقل آن‌ها را درک کرده و نقل صرفاً ارشاد به حکم عقل است. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵م: ۱۷/ ۱۰۱؛ لاهیجی، ۱۳۸۳: ۳۵۳)

همچنین برخی معیار تبعیدی بودن عملی را وجود سه شرط مباشرت، اباحه و اختیار دانسته که فقدان هر کدام از شروط سبب خروج عمل از دایره عبادات و ورود آن به جرگه توصلیات می‌شود. (فیاض، ۱۴۲۲ق: ۱/ ۹۷) طبق این دیدگاه جواب سلام با وجود عدم اشتراط قصد قربت در آن عملی عبادی و وجوب قضای نماز پدر بر پسر بزرگ پس از فوت، با وجود اشتراط قصد قربت عملی توصلی است، زیرا جواب سلام دارای سه شرط یاد شده است و وجوب نماز قضای والد فاقد شرط مباشرت می‌باشد.

پس از تبیین حقیقت توصلیات و تبعدیات و دیدگاه‌های مختلف در آن، طبق دیدگاه رایج و نخست، هیچ اختلافی در ترتب ثواب بر عبادات نیست. سخن در توصلیات است که طبق دیدگاه رایج و مشهور، انجام این دسته از افعال بدون قصد قربت هیچ ثواب و پاداشی نداشته و صرفاً برطرف کننده تکلیف هستند و فقط در صورت همراهی قصد قربت، ثواب بر آن‌ها مترتب خواهد بود.

آیت الله اعرافی دیدگاهی در مقابل مشهور ارائه کرده که از ترتب ثواب بر توصلیات فاقد قصد قربت حکایت دارد. ایشان با توجه به ادله مختلف که در ادامه خواهد آمد، قائل به عدم تأثیر قصد قربت در ترتب ثواب بر توصلیات شده‌اند.

از آن‌جا که از سویی این مسأله نقش مهم و کلیدی در کارآمدسازی احکام توصلیات دارد و در صورت وجود ثواب و پاداش در آن‌ها مردم با اقبال بیشتری به انجام این دسته از افعال مشغول می‌شوند، و از سوی دیگر به دیدگاه آیت الله اعرافی که مخالف با دیدگاه مشهور است، پرداخته نشده است، در این پژوهش به کارآمدسازی توصلیات فاقد قصد قربت از رهگذر ترتب ثواب پرداخته می‌شود و ضمن تبیین دو دیدگاه ترتب و عدم ترتب ثواب بر توصلیات فاقد قصد قربت، نظریه مختار در مسأله تبیین خواهد شد.

مسأله حاضر از اهمیت فراوانی برخوردار است و به علل و عوامل مختلفی لازم و ضروری است تا به آن پرداخته شود.

ا. کلامی بودن مسأله و کم‌توجهی به آن در دانش کلام: اگرچه بیشتر اندیشمندان و علمای دانش اصول فقه به این مسأله پرداخته^۱ و اکثر قریب به اتفاق آنان از دیدگاه اشتراط قصد قربت در ترتب ثواب بر توصلیات حمایت کرده‌اند؛ لیکن مسأله حاضر که ناظر به ثواب، پاداش و اجر است، مسأله‌ای اعتقادی و کلامی است که لازم است در دانش کلام و با مبانی و پیش فرض‌های کلامی-فلسفی به آن پرداخته شود.^۲

ب. کارآمدسازی احکام توصلیات: این مسأله و نتیجه علمی آن تأثیر فراوانی در کیفیت و کمیت عمل به احکام توصلی و غیر عبادی دارد. در صورتی که ثواب و پاداشی بر توصلیات مترتب نباشد، چه بسا بسیاری از مردم انگیزه‌ای برای انجام افعال توصلی و به ویژه مستحبات توصلی نداشته و این افعال که دارای مصالح مختلفی هستند (با توجه به تبعیت دستورات دینی از مصالح و مفاسد) مغفول مانده و در نهایت هدف اصلی این بخش از احکام الهی محقق نشود.

ج. طرح دیدگاه جدید: مسأله عدم ترتب ثواب بر توصلیات بدون قصد قربت از مسائل روشن و بدیهی به شمار رفته که اگرچه بیشتر اندیشمندان به طرح آن می‌پردازند؛ لیکن به ادله و فروع آن کمتر توجه شده است، لذا چه بسا با تأمل در مسأله بتوان جان تازه‌ای به مسأله بخشید و حتی توانست دیدگاه جدیدی در مسأله ارائه کرد. چنان‌که دیدگاه مخالفی در مسأله نیز وجود دارد که نشان می‌دهد مسأله حاضر قابلیت بحث و مطالعه به صورت جدی را دارد.

۲-۱ پیشینه تحقیق

مسأله نقش قصد قربت در ثواب داشتن افعال توصلی، مسأله‌ای است که در کتاب‌های مختلف و به ویژه کتاب‌های اصولی مورد توجه اندیشمندان و عالمان دینی بوده و اکثر قریب به اتفاق نیز به اشتراط قصد قربت در

۱. البته برخی از اصولیون با وجود طرح این مسأله و مسائلی نظیر انقیاد و تجری، تصریح دارند که مسأله بیش از آن که اصولی باشد، کلامی است. (ر.ک: خمینی، ۱۳۹۴: ۴۳-۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق: ۲/ ۲۲۵)

۲. یکی از تفاوت‌های مسأله کلامی و فقهی موضوع آن است. موضوع مسائل کلامی خدا، صفات او و افعال او می‌باشد و موضوع مسائل فقهی افعال مکلفان است. (سیحانی، ۱۴۲۸ق: ۳۲۷) تعلق و ترتب ثواب بر افعال، فعل خدای متعالی و لذا یکی از مسائل دانش کلام است. البته از آنجا که شرطیت قصد قربت یا عدم آن درباره حکم شرعی و فعل مکلف است، مسأله‌ای فقهی است که موضوع بحث این تحقیق نیست. به دیگر سخن، از آنجا که مسأله ترتب ثواب بر افعال توصلی، واسطه در استنباط حکم شرعی قرار نمی‌گیرد، مسأله اصولی نیست و از آنجا که این مسأله ارتباط مستقیم با عمل و فعل خارجی مکلفان ندارد و حکم وضعی و تکلیفی نیست، مسأله‌ای فقهی نیز نیست، لذا مسأله حاضر که فعل خدای سبحان است، مسأله‌ای کلامی می‌باشد.

ترتیب ثواب اعمال توصلی باور دارند، لذا پیشینه پرباری در خصوص این بُعد مسأله در دسترس است. برای نمونه، در کتاب کفایة الأصول (محقق خراسانی، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۳۹-۱۴۸)، أصول الفقه (مظفر، ۱۳۷۵: ۶۶-۷۰)، مقالات الأصول (ضیاء الدین عراقی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۲۲۹-۲۳۵)، نهایة الأصول (منتظری، ۱۳۷۵: ۱/ ۹۷-۹۸)، اجود التقریرات (خوئی، ۱۳۶۸: ۱/ ۹۷) و ... به مسأله تقسیم افعال به توصلی و تعبدی و مسائل مربوط به آن پرداخته شده است.

البته پس از فحص و جست و جوی فراوان در خصوص موضوع این تحقیق، یعنی طرح و بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مختلف و ارزیابی و مقایسه ادله آن‌ها، اثر مکتوبی مشاهده نشد. فقط آیت الله علیرضا اعرافی در برخی از دروسشان به مسأله اشاراتی داشته‌اند که به صورت اثر مکتوب منتشر نشده‌اند. همچنین در کتاب‌های کلامی به مسأله حاضر -که مسأله‌ای کلامی و اعتقادی است- کمتر پرداخته شده و پیشینه خاصی مشاهده نشده است. البته به صورت کلی و درباره حقیقت و ملاک ثواب مسائلی طرح شده است. برای نمونه خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب تلخیص المحصل (طوسی، ۱۹۸۵م: ۴۵۳)، علامه حلی در کتاب کشف المراد (حلی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۹)، محمد جعفر استرآبادی در کتاب البراهین القاطعه (استرآبادی، ۱۳۶۳: ۴/ ۲۲۴) و ... به مسأله چیستی ثواب و معیار آن پرداخته‌اند.

براین اساس، مقاله حاضر به صورت خاص فاقد پیشینه مدون است. به صورت کلی نیز نگارنده مقاله و اثر مستقل و مجزایی در خصوص نقش قصد قربت در ترتب ثواب بر توصلیات را مشاهده نکرده است.

۱-۳ نوآوری تحقیق

مقاله پیش‌رو از جهات مختلفی دارای نوآوری می‌باشد.

ا. نوآوری موضوعی: مسأله عدم ترتب ثواب بر توصلیات فاقد قصد قربت تقریباً مورد اتفاق اندیشمندان اسلامی است؛ لیکن عمدتاً این مسأله در دانش اصول فقه مطرح می‌شود. در این مقاله اولاً این موضوع به صورت کلامی و با مبادی کلامی مورد بررسی قرار گرفته و ثانیاً صرفاً به تبیین دیدگاه مشهور اکتفا نشده و ضمن تبیین دیدگاه مخالف، در سددارائه نگاهی نو و جدید در مسأله می‌باشد.

ب. نوآوری ساختاری: برای نخستین بار مسأله نقش قصد قربت در ترتب ثواب بر توصلیات به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی میان دو دیدگاه موافق و مخالف طرح، تبیین و مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این مقاله در کنار دیدگاه مشهور مبنی بر اشتراط قصد قربت در ترتب ثواب بر توصلیات، به دیدگاه غیر مشهور مبنی بر عدم اشتراط پرداخته شده که سابقاً در جایی مشاهده نشده است، لذا ساختار مقایسه‌ای و تطبیقی در این موضوع فاقد سابقه است.

ج. نوآوری محتوایی: در مسأله حاضر نگارنده پس از تبیین و بررسی دو دیدگاه مشهور و غیر مشهور، دیدگاه جدیدی در مسأله ارائه کرده است. همچنین در مسأله چیستی ثواب و معیار و ملاک ثواب، نگارنده پس از طرح دیدگاه‌ها، نظریه ترکیبی را ارائه کرده است.

۲. مبانی مسأله

پیش از ورود به مسأله بایسته است تا به تبیین و تقریر برخی از مبانی مسأله مورد بحث پرداخته شود.

۲-۱ حقیقت و چیستی ثواب

یکی از مسائل مسلم و قطعی دین مبین اسلام، مسأله ثواب، پاداش و نتیجه اعمال انسان‌هاست. ثواب مأخوذ از ریشه «ثوب» و به معنای رجوع است. به سبب آن‌که جزای عمل انسان به او بر می‌گردد، به آن ثواب اطلاق می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ذیل واژه «ثوب») بر اساس آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»^۱ انسان‌ها نتیجه تمام افعال و کردار خویش را خواهند دید و هیچ عملی بدون نتیجه نخواهد ماند.

نتیجه افعال انسان که در اصطلاح دینی به ثواب و عقاب معروف است، غیر از نتیجه ظاهری و آشکار افعال انسان می‌باشد. این نتایج غیر مادی و فراطبیعی هستند و جایگاه اصلی و حقیقی آن‌ها در سرای آخرت است؛ لیکن در این دنیا نیز بخشی از آن به انسان‌ها باز می‌گردد و موجب ایجاد آثاری در دنیا و عالم ماده می‌شوند که به صورت طبیعی و عادی تبیین پذیر نیستند. (فضل بن شاذان، ۱۴۰۲ق: ۱۱۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۸/۱۵) محققان در چیستی و حقیقت پاداش و ثواب دارای اختلاف نظر هستند و دو دیدگاه عمده مطرح شده است.

الف. پاداش قراردادی

عمده متکلمان بر این باورند که اجر و پاداش کار نیک توسط خدای سبحان ایجاد شده و سپس بر انسان وارد می‌شود. ثواب منفعتی است که خدای سبحان به سبب افعال نیک و به همراه تعظیم و تجلیل به انسان عطا می‌کند. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۴۰۹) طبق این رهیافت، ثواب و پاداش همانند جایزه‌ای است که والدین برای فرزند خویش به پاس انجام کار نیکی نظیر رعایت ادب خریداری می‌کنند. رابطه میان خدای متعالی و افعال بندگان نیز همین‌گونه است و اگر بندگان کار خیر و نیک انجام دهند، خدای سبحان اجر و پاداش برایشان لحاظ می‌کند.

ب. پاداش تکوینی

بر اساس دیدگاه فلاسفه و به ویژه حکمت متعالیه، ثواب امری قراردادی و بیرون از حقیقت فعل انسان و صادر از شخص دیگری نبوده و نتیجه تکوینی فعل است. (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱م: ۹/۳۱؛ همو، ۱۳۶۰: ۳) خدای متعال خالق و رب تمام مخلوقات از جمله انسان‌هاست که آن‌ها را پس از آفرینش رها نساخته و با وضع قوانین، نظام و سنت‌هایی مشخص، به هدایت مخلوقات خویش پرداخته است.

۱. زلزال (۹۹): ۷.

نظام و سنت‌های آفرینش به دو بخش تکوینی و تشریعی تقسیم می‌شوند که سنن تشریعی مختص انسان‌ها و موجودات دارای اراده و اختیار است. خدای متعالی با آفرینش انسان، شریعت و قوانین زیستن را نیز در اختیار وی قرار داد. با توجه به حسن و قبح ذاتی افعال، این قوانین و شرایع ناظر به ابعاد و جهات مختلف افعال انسانی هستند^۱ و لذا توصیه‌ها و اوامر الهی به سبب وجود ابعاد نیکو و حذرها و نواهی خدا به خاطر وجود ابعاد زشت و ناپسند در افعال می‌باشند.

با توجه به علم مطلق و بی‌پایان الهی از سویی و عدم دسترسی دانش بشری به حقایق درونی و تکوینی افعال از سوی دیگر، باری تعالی این داده‌ها و اطلاعات را در قالب گزاره‌های دینی در اختیار بشر قرار می‌دهد تا معرفت و شناخت آنان را تکمیل و انسان‌ها را در مسیر هدایت و سعادت قرار دهد.

به دیگر سخن، اوامر و نواهی شرعی دارای طریقت بوده و موجب علم و نیل انسان به واقعیت افعال می‌شوند و این دستورات تشریعی فاقد موضوعیت هستند، لذا هنگامی که فردی از فرمان الهی پیروی کرده و به سفارشات و تشریع آن حضرت عمل می‌کند، در حقیقت حسنات و امتیازات تکوینی که در پی انجام فعل ایجاد می‌شوند را کسب کرده و از آن بهره می‌برد. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲/ ۴۷۵-۴۸۲ و ۸/ ۳۴۰-۳۴۵؛ همو، ۱۳۷۷: ۱۰/ ۱۴۸) همانند والدینی که فرزند خردسال خویش را به سرمایه‌گذاری تشویق می‌کنند. در صورتی که کودک به توصیه‌های والدین گوش فرا دهد، سود حاصل از سرمایه‌گذاری پاداش اوست. در این جا والدین پاداش مجزایی برای کودک در نظر ندارند و نتیجه تکوینی فعل کودک پاداش او می‌باشد. (همو، ۱۳۸۵: ۸/ ۳۴۲-۳۴۳)

دیدگاه نگارنده: پاداش قراردادی و تکوینی

به نظر می‌رسد هر دو دیدگاه یاد شده صحیح و ناظر به بخشی از حقیقت مسأله ثواب هستند و با کنار هم قرار دادن هر دو دیدگاه، می‌توان نگاهی جامع به مسأله داشت. همان‌طور که فلاسفه گفته‌اند، ثواب نتیجه تکوینی فعل انسان است و همان‌گونه که متکلمان معتقدند، خدا طبق قرارداد خود به بندگان خویش ثواب می‌دهد.

توضیح آن‌که، خدای متعالی در قالب متون دینی به افعال نیک دستور داده است. انسان نیکوکار از فرمان الهی تبعیت کرده و انسان خطاکار به مخالفت با خدا می‌پردازد. اگرچه فرمان‌های الهی ناظر به حسن و قبح ذاتی افعال هستند؛ لیکن دارای موضوعیت بوده و طریق صرف نیستند، لذا علاوه بر نتیجه تکوینی، مسأله موافقت و مخالفت با دستورات الهی و حسن و سوء نیت نیز دارای اهمیت است. انسان نیکوکار از سویی با انجام فعل و تمسک به علت، نتیجه تکوینی و معلول فعل خویش را پدیدار می‌کند و از سوی دیگر به سبب اطاعت از دستورات خدا و گردن نهادن بر اوامر الهی، موجبات خشنودی و رضایت پروردگار را فراهم می‌کند و خدا نیز برای چنین فردی اجر و پاداش مضاعف در نظر می‌گیرد.

۱. یعنی سنن تشریعی بر پایه‌ی سنت‌های تکوینی بنا شده‌اند.

براین اساس و مطابق دیدگاه مختار ثواب ترکیبی از «پاداش قراردادی خدا» و «نتیجه تکوینی فعل» است. فرد نیکوکار در صورتی که قصد امتثال امر خدا را داشته باشد، دارای دو ثواب است. یکی برای اطاعت امر خدا و خشنود سازی پروردگار که خدای متعالی این پاداش و ثواب قراردادی را در اختیار فرد نیکوکار قرار می‌دهد. دیگری نتیجه تکوینی اراده و فعل انسان است که در نفس انسان نیکوکار پدیدار می‌شود.

۲-۲ معیار و ملاک ترتب ثواب

پس از تبیین حقیقت و چیستی ثواب، به بررسی معیار و ملاک ترتب ثواب پرداخته می‌شود. محققان در معیار و ملاک ترتب ثواب بر افعال انسان دارای اختلاف هستند. در مسأله دو دیدگاه مطرح است.

الف. حُسن فاعلی

برخی معتقدند معیار ترتب ثواب بر افعال انسان موافقت و همراهی اعمال با علم، حجت و دلیل عقلی و شرعی است. انسانی که دارای نیت خالص و مقدسی است و به قصد انجام دستورات عقل و دین و طبق دلیل معتبر عمل نیکی را انجام می‌دهد، به وظیفه خویش عمل کرده و به هیچ وجه قصد سرکشی و طغیان و مخالفت با دستورات خدا و عقل را ندارد، لذا مستحق پاداش و ثواب است.

ترتب ثواب بر اعمال منوط و مشروط به موافقت عمل با واقعیت نیست، زیرا معیار و ملاک ثواب، صرفاً حُسن فاعلی است که در صورت موافقت یا مخالفت عمل با واقع موجود است. (محقق خراسانی، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۱۰ و ۲۵۹-۲۶۱؛ صدر، ۱۴۰۶ق: ۲/ ۴۳؛ مشکینی، ۱۳۷۱: ۱/ ۹۶)

به دیگر سخن، ثواب در قبال سختی و رنجی است که فرد به سبب عمل به دستور خدای سبحان آن را تحمل کرده است. در صورتی که خدا دستوراتی را ارائه نکرده بود، فرد با هیچ مشکل و سختی روبه‌رو نشده بود؛ لیکن پس از امر خدا، فرد برای اتیان دستورات الهی با رنج و مشقت روبه‌رو شده و بر خدای سبحان واجب است که این رنج را با عوضی که همراه با تعظیم و تکریم است، جبران نماید، لذا ترتب ثواب منوط به این است که مشقت تحمل شده، به خاطر دستور خدا باشد و این همان حُسن فاعلی است. (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۴۵۳؛ حلی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۹؛ استرآبادی، ۱۳۶۳: ۴/ ۲۲۴)

ب. حُسن فعلی

در مقابل گروهی بر این باورند که معیار و ملاک ثواب، انجام عمل در واقع نیک است، لذا فقط در صورتی انسان نیکوکار مستحق ثواب است که عمل فقط در نظر او نیک نبوده و در واقع نیز عمل نیکو و پسندیده باشد، بنابراین در صورتی که طبق ادله گمان شود فعلی نیک است و به آن عمل شود؛ لیکن در واقع آن عمل نیکو نباشد، فرد با وجود حُسن فاعلی و نیت خیر و تحمل سختی و مشقت، مستحق ثواب نخواهد بود، چراکه ثواب پس از حُسن فعلی پدیدار می‌شود که در محل بحث حُسن فعلی موجود نیست.

بله، به سبب حُسن فاعلی و نیت خیر فرد، فاعل ستایش و تشویق شده و به احتمال فراوان خدای متعالی نیز پاداشی به صورت تفضلی و از روی کرامت به فرد عطا می‌نماید. همچنین به سبب تحمل مشقت و سختی فاعل مستحق عوض است؛ لیکن بر عمل او ثواب استحقاقی مترتب نمی‌شود. (خوئی، ۱۴۱۷ق: ۲/ ۳۷۷؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۳۴ق: ۳/ ۵۰)

دیدگاه نگارنده: حُسن فاعلی و فعلی

پس از تبیین حقیقت ثواب و تبیین دیدگاه نگارنده مبنی بر جامعیت ثواب (ثواب تکوینی و قراردادی)، به نظر می‌رسد بتوان در مسأله معیار و ملاک ثواب نیز دیدگاه سومی ارائه داد که بر اساس آن، حُسن فعلی دارای ثواب وضعی و تکوینی و حُسن فاعلی دارای ثواب قراردادی، تشریعی و الهی است. توضیح آن‌که، با توجه به حُسن ذاتی افعال، جهت حُسن و نیکویی در درون و ذات افعال نهفته که با توجه به سنخیت، از افعال ذاتا نیک آثار و نتایج مطلوب و پسندیده صادر می‌شود. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۳۰۲؛ سبحانی، ۱۴۲۷ق: ۲/ ۲۷۷) این آثار و نتایج در حقیقت ثوابی هستند که تنها در صورتی که فعل در واقع نیک باشد بر فعل مترتب می‌شود، چراکه در صورت نیک نبودن فعل، عامل ایجاد آثار محقق نشده و با نبود علت، معلول نیز پدیدار نخواهد شد، بنابراین ثواب تکوینی تنها در صورت وجود حُسن فعلی، ایجاد می‌شود.

خدای متعالی انسان‌ها را به تبعیت از دلیل‌های معتبر و عمل طبق این ادله سفارش کرده است. عمل بر اساس خواست الهی و گردن نهادن بر دستورهای خدا و انجام افعال به قصد امتثال اوامر الهی ارزشمند است و موجبات جلب رضایت پروردگار را با انجام وظیفه فراهم می‌کند. چنین فاعلی مستحق تعظیم و تکریم است و خدا پاداش و ثوابی در اختیار این فاعل قرار می‌دهد: «أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ»^۱ چنین فردی به سبب دستورات خدا افعالی را انجام داده که اگر خدای متعالی پاداش و ثوابی به او ندهد، در حق این فرد ظلم شده که با حکمت و عدالت خدا سازگار نیست، لذا این فرد به سبب حُسن فاعلی قطعا پاداش و ثواب قراردادی خواهد داشت.

براین پایه، اگر فردی به وظیفه خویش عمل کرده و عمل او نیز مطابق واقعیت باشد، چنین فردی دارای پاداش کامل و مجموعه ثواب تکوینی و قراردادی خواهد بود. ثواب قراردادی به خاطر انجام وظیفه و حُسن فاعلی و ثواب تکوینی به سبب حُسن فعلی و انجام فعل در واقع نیک؛ اما در صورت فقدان هر یک از جهات حُسن فعلی و فاعلی، ثواب متناسب با آن محقق نخواهد شد.

شاهد و موید دیدگاه مختار،^۲ قاعده «تسامح در ادله سنن» است که مطابق آن اگر فردی عمل مستحبی را به قصد دریافت ثواب و مطلوبیت عمل نزد خدا انجام دهد، اگرچه آن عمل در واقعیت مطلوب نباشد، خدای متعالی

۱. آل عمران: (۳): ۱۹۵.

۲. این قواعد شاهد و نه دلیل ذکر شده است، چراکه چه بسا گفته شود ثواب در این موارد تفضلی و نه استحقاقی است.

به فرد پاداش و ثواب عطا می‌کند، بنابراین اگرچه فعل انجام شده، حسن ذاتی و فعلی ندارد و به تبع ثواب تکوینی را در پی ندارد؛ لیکن اجر و پاداش قراردادی به سبب نیت و قصد خوب را از دست نخواهد داد. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق: ۱۴-۱۵)

شاهد دیگر قاعده روایی «لِلْمُصِيبِ أَجْرَانِ وَلِلْمُخْطِئِ أَجْرٌ وَاحِدٌ» است که طبق آن قصد، نیت و تلاش مجتهد در استنباط احکام شرعی دارای ثواب قراردادی است. در صورت استنباط صحیح و اصابت به حکم شرعی واقعی، ثواب تکوینی نیز برای مجتهد لحاظ می‌شود و در صورت عدم اصابت، صرفاً پاداش قراردادی برای قصد و نیت الهی و کوشش وی و نه به خاطر رسیدن به واقع لحاظ می‌شود. (غروی، ۱۴۶۱ق: ۴۰۶)

شاهد دیگر نیز مسأله «انقیاد» است که در آن فرد با قصد و نیت الهی فعلی را که گمان داشته مطلوب و حسن است انجام داده؛ اما در تشخیص اشتباه کرده و در واقعیت فعل مطلوب خدا نبوده و فاقد حُسن فعلی و ذاتی می‌باشد. در این جا نیز فرد به سبب حُسن فاعلی مستحق ثواب قراردادی است و از ثواب تکوینی محروم می‌باشد. (محقق خراسانی، ۱۳۷۲: ۴۲۲)

۳. توصیلات بدون قصد قربت و ترتب ثواب بر آن

پس از ذکر مبانی مسأله، اینک به سوال و مسأله اصلی تحقیق خواهیم پرداخت که ترتب ثواب بر افعال توصیلی مشروط به وجود قصد قربت است و بدون آن هیچ ثوابی در کار نخواهد بود و یا آن که چنین شرطی در میان نبوده و انجام افعال توصیلی بدون قصد قربت نیز دارای ثواب هستند؟ در مسأله قریب به اتفاق اندیشمندان ترتب ثواب بر توصیلات را منوط به وجود قصد قربت دانسته و تعداد اندکی از جمله آیت الله اعرافی به مخالفت با این دیدگاه پرداخته‌اند. در ادامه به تبیین و تحلیل این دو دیدگاه و ادله آن‌ها پرداخته و در نهایت دیدگاه مختار مطرح خواهد شد.

۳-۱ عدم ترتب ثواب بر توصیلات فاقد قصد قربت

با فحص و بررسی آراء اندیشمندان و فقها مشاهده می‌شود که اکثر آنان ترتب ثواب بر توصیلات را مشروط به وجود قصد قربت می‌دانند. مقصود از ثواب در این دیدگاه، ثواب قراردادی است که ناظر به حُسن فاعلی می‌باشد.

از منظر این دسته از اندیشمندان خدای متعالی تنها زمانی به انسان‌ها پاداش و ثواب عطا می‌کند که افراد اولاً دارای اسلام و ایمان و ثانیاً دارای قصد قربت باشند. وجود این دو شرط -که موجب حُسن فاعلی می‌شوند- برای استحقاق ثواب لازم و ضروری است و بدون هر یک از آن‌ها ثواب منتفی خواهد بود.

دلیل این اشتراط وجود ادله فراوانی است که استحقاق ثواب را به این دو مشروط کرده‌اند. برای نمونه در روایات نقل شده که پاداش و ثواب الهی در گرو نیت و قصد افراد است، لذا اگر فردی عمل خویش را با قصد قربت و رضایت پروردگار انجام دهد، پاداش و ثواب الهی نصیبش می‌شود و فردی که قصد و نیت دنیوی و غیر

الهی داشته باشد، خدای متعالی همان منفعت دنیوی را برای فرد تأمین کرده و خبری از پاداش اخروی و الهی نخواهد بود: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِامْرِئٍ مَّا نَوَىٰ فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِمَرْأَةٍ يَتَزَوَّجُهَا أَوْ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا فَهَجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق: ۱/۴)، «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَلِكُلِّ امْرِئٍ مَّا نَوَىٰ فَمَنْ غَزَا ابْتِغَاءَ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ غَزَا يُرِيدُ الدُّنْيَا أَوْ نَوَىٰ عَقَالًا لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا مَا نَوَىٰ» (عریضی، ۱۳۶۷: ۳۴۶)

روایات دیگری نظیر «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَلِكُلِّ امْرِئٍ مَّا نَوَىٰ» (جعفر بن محمد (ع)، ۱۴۰۰ق: ۵۳) و «لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ» (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۲۲؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۱/۱۱) نیز بر این دلالت دارند که ثواب تابع قصد قربت است و بدون آن هیچ ثوابی بر عمل مترتب نمی‌شود.

دلیل دیگر احادیث قدسی است که در آن‌ها خدای سبحان خود را برترین شریک معرفی کرده است. بدین معنا که اگر فردی عملی را بدون قصد قربت و یا با قصد قربت و به همراه قصد دنیوی انجام دهد، خدای سبحان سهم خویش را نیز به شریکش بخشیده و هیچ بخشی از این عمل را نمی‌پذیرد: «أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ مَنْ أَشْرَكَ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلِي لَمْ أَقْبَلْ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا» (علی بن موسی (ع)، ۱۴۰۶ق: ۳۸۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۲/۳۵۳) طبق این دسته از روایات خدای متعالی صرفاً افعال خالصی که دارای قصد قربت هستند را پذیرفته و پاداش می‌دهد و افعال فاقد قصد قربت یا دارای قصد قربت ناخالص را نپذیرفته و ثواب و پاداشی هم نخواهد داد.

با مراجعه به متون دینی مشخص می‌شود، ایمان و اسلام نیز از دیگر شرایط ترتب ثواب بر افعال انسان می‌باشند. آیات متعددی از قرآن کریم شرط ثواب داشتن عمل و مایه سعادت بودن اعمال را اسلام و ایمان معرفی کرده است: «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۱ همچنین آیات مختلفی اعمال کافران و افرادی که ایمان نیاورده و یا از ایمان بازگشته‌اند را، بی فایده دانسته که موجب سعادت آنان در قیامت نخواهد شد: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۲، «وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۳

یکی از شواهد این دیدگاه، مسأله انقیاد است. بیشتر فقها معتقدند اگرچه در انقیاد حسن فعلی و ذاتی وجود ندارد؛ لیکن به سبب وجود حسن فاعلی و نیت خالص فاعل مستحق ثواب است و خدا نیز به همین خاطر به وی ثواب و پاداش عطا می‌کند. (صدر، ۱۴۰۶ق: ۲/۴۳)

۱. غافر (۴۰): ۴۰.

۲. مائده (۵): ۵.

۳. بقره (۲): ۲۱۷.

با این تعابیر روشن شد، طبق این دیدگاه حُسن فعلی که عبارت است از این که عمل در واقع مطلوب و نیک باشد، به تنهایی نقش و تأثیری در ثواب قراردادی نداشته و باید در کنار آن حُسن فاعلی نیز قرار داشته باشد، لذا انجام فعل نیک بدون قصد قربت و بدون ایمان، با آن که دارای حُسن فعلی است؛ اما به سبب فقدان حُسن فاعلی فاقد ثواب قراردادی است.

براین اساس، این دیدگاه حُسن ذاتی و فعلی را برای ترتب ثواب کافی نمی داند و معتقد است باید در کنار آن، حُسن فاعلی نیز وجود داشته باشد، لذا عملی نظیر سجده که دارای حُسن فعلی است، در صورتی که همراه با قصد قربت و حُسن فاعلی باشد، دارای ثواب خواهد بود. در مقابل عملی مانند ناسزا گفتن که دارای قبیح فعلی است، اگر همراه با حُسن فاعلی بیاید (مثلاً فردی در پندار خود به خاطر خدا ناسزا بگوید) به سبب فقدان حُسن فعلی دارای ثواب نخواهد بود.

حاصل آن که، طبق این دیدگاه شرط ترتب ثواب همراهی دو حُسن فعلی و فاعلی است که بدون هر یک ثوابی در کار نخواهد بود، لذا قصد قربت یکی از شروط ثواب داشتن است که در افعال توصلی فاقد قصد قربت حاضر نیست، لذا بر توصیلات ثوابی مترتب نمی شود.

۳-۲ ترتب ثواب بر توصیلات فاقد قصد قربت

در مقابل دیدگاه مشهور و غالب اندیشمندان، آیت الله اعرافی دیدگاه دیگری را مطرح کرده که طبق آن، قصد قربت شرط ترتب ثواب بر توصیلات نیست. ایشان با تفکیک میان دو مسأله صحت سنجی اعمال و ترتب ثواب بر افعال معتقدند، قصد قربت فقط شرط صحت عبادات است که در افعال توصلی این اشتراط وجود ندارد؛ لیکن در مسأله ترتب ثواب، قصد قربت موضوعیتی نداشته و معیار و ملاک ترتب ثواب، حُسن فعلی و انجام صحیح افعال نیک و پسندیده است، بنابراین در صورتی که فردی افعال توصلی را به صورت صحیح و حتی بدون قصد قربت انجام دهد، ثواب بر عمل او مترتب می شود. (اعرافی، درس فقه روابط اجتماعی: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲)

براین اساس، تفاوت افعال عبادی و غیر عبادی نه در ترتب و عدم ترتب ثواب، بلکه در صحت و عدم صحت در صورت همراهی قصد ریا و فقدان قصد قربت می باشد که افعال عبادی در صورت نبود قصد قربت یا وجود ریا غیر صحیح و باطل و به تبع فاقد ثواب و افعال توصلی در صورت نبود قصد قربت یا وجود ریا صحیح و به تبع دارای ثواب هستند.^۱ (اعرافی، درس خارج فقه تربیتی: ۱۳۷۷/۱۱/۰۶) آیت الله اعرافی در درس خویش می فرماید:

۱. بیان یاد شده، دیدگاه آیت الله اعرافی می باشد. البته در خصوص ریا دو دیدگاه مطرح است. بیشتر فقها به حرمت ریا باور دارند (خوئی، ۱۴۰۷ق: ۸-۷/۵) و برخی دیگر با وجود نکوهش ریا، حکم به حرمت آن نداده اند. (هادوی تهرانی، بی تا: پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله هادوی تهرانی / کد سایت ۱۴۰۰) ریا در عبادات از سویی به موجب خدشه دار نمودن قصد قربت، مبطل عبادات است و از سوی دیگر به موجب قبیح ذاتی -طبق دیدگاه مشهور- یا باطل نمودن عبادات -طبق دیدگاه دوم- عملی حرام است؛ اما به سبب فقدان شرطیت قصد قربت در توصیلات، ریا موجب بطلان توصیلات نمی شود البته مطابق دیدگاه نخست عملی حرام و طبق دیدگاه دوم عملی غیر حرام می باشد. البته طبق دیدگاه دوم نیز در برخی مواردی که دلیل خاص وارد شده -نظیر تعلیم ریائی قرآن (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷/ ۲۱۶)- عملی حرام و دارای عقاب خواهد بود.

«فرق دوم بین تعبدی و توصلی [توصلیات بدون قصد قربت ثواب ندارند و فقط رافع عقاب هستند؛ اما عبادات دارای ثواب هستند] که تا حدی مورد قبول خیلی‌هاست؛ ولی نه برهانی بر این مسأله پیدا کردیم و نه ظواهر منطبق آن است، بلکه شاید ظواهر بیشتر بر خلاف آن دلالت داشته باشد... دیدگاه من بیشتر این است که فرق اول [ریا موجب بطلان عبادات است؛ اما غیرعبادات را باطل نمی‌کند] وجود دارد ولی فرق دوم وجود ندارد.» (همان) همچنین می‌گویند: «اگر کسی از یک شهری دفاع می‌کند و لو برای ریا باشد، معلوم نیست به او ثواب داده نشود.» (همان)

توضیح بیشتر آن‌که، خدای متعالی در متون دینی به افعال نیک و پسندیده‌ای اشاره کرده و از بندگان خویش خواسته به این افعال اشتغال ورزند. با مراجعه به متون دینی مشاهده می‌شود که خدای سبحان برای برخی از این افعال شرط قصد قربت قرار داده و برای برخی این شرط را وضع نکرده است، چراکه برخی افعال بدون قصد قربت مطلوب نیستند و هدف و غرض الهی را تأمین نمی‌کنند؛ اما برخی افعال دیگر بدون قصد قربت نیز تأمین‌کننده اغراض الهی هستند. مثلاً خدای سبحان نماز را به جهت نزدیک شدن نمازگزار به خدا واجب کرده است و در صورتی که فردی نماز را بدون قصد قربت اقامه نماید، هدف و غرض خدا محقق نمی‌شود و لذا پاداشی هم در میان نخواهد بود؛ لیکن دستور خدا به دفن میت یا دفاع از حکومت دینی به جهت حفظ احترام جنازه مومن و حفظ دین است که اگر فردی با قصد ریا آن را انجام دهد نیز غرض مولا را محقق کرده و لذا مستحق پاداش و ثواب است.

حاصل آن‌که، عبادات بدون قصد قربت ناقص هستند و هدف مولا را تأمین نمی‌کنند، لذا عبادات بدون قصد قربت صحیح نیستند و اطاعت الهی محقق نشده و از این رو فاقد ثواب‌اند؛ اما توصلیات بدون قصد قربت هدف پروردگار را محقق می‌سازند و لذا صحیح و کامل هستند و به موجب اطاعت و انجام صحیح عمل دارای پاداش و ثواب هستند. (اعرافی، درس خارج اصول فقه: ۱۳۹۱/۰۸/۰۷) البته روشن است که در صورت همراهی قصد قربت، فعل نیک برتر و بهتر شده و به تبع پاداش و ثواب آن‌ها نیز مضاعف خواهد شد. علل و عوامل مختلفی سبب شده تا قائلان به این دیدگاه با رد دیدگاه نخست به طرح این دیدگاه بپردازند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. وجود تفاوت میان مستحبات توصلی و مباحات: این دیدگاه معتقد است در صورتی که بر توصلیات فاقد قصد قربت نظیر دفاع از وطن و امر به معروف و نهی از منکر ثوابی مترتب نشود، این عمل همانند و همدیف اعمال مباح نظیر راه رفتن و غذا خوردن خواهند بود. این درحالی است که توصلیات مورد توجه خدای سبحان و دارای حسن فعلی و ذاتی هستند؛ ولی افعال مباح فاقد این خصیصه می‌باشند، بنابراین نمی‌توان به یکسانی و همدیفی این دو دسته از اعمال حکم کرد. (اعرافی، درس فقه روابط اجتماعی: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳)

ب. اطلاق روایات ثواب داشتن افعال و مقید نشدن آن‌ها با ادله محدود: دیدگاه نخست با تمسک به برخی ادله نقلی سعی دارد تا ترتب ثواب بر افعال را مشروط به وجود قصد قربت نماید. این درحالی است که این ادله در مقایسه با ادله نقلی که برای توصلیات اجر و پاداش‌هایی به صورت مطلق بیان کرده‌اند و سخنی از اشتراط قصد قربت به

میان نیاورده‌اند، بسیار اندک و محدود هستند،^۱ لذا چند دلیل نقلی نمی‌تواند قید منفصل متون دینی مطلق و فراوان باشد. (همان)

ج. اختصاص ادله مقید کننده به افعال عبادی: با مراجعه به آیات و روایات مورد استناد دیدگاه نخست -که آن‌ها را قیود منفصل برای اشتراط قصد قربت در مسأله ترتب ثواب به حساب می‌آورند- مشخص می‌شود این ادله در فضای عبادات وارد شده و ناظر به افعال عبادی هستند. بیشتر این روایات در باب مقدمه عبادات و مباحث اخلاقیات وارد شده و ارتباطی با افعال توصلی ندارند و نمی‌توانند اطلاعات ترتب ثواب بر توصلیات را مقید به قصد قربت کنند. (همان)

حاصل آن‌که:

«کارهای توصلی مانند انقاد غریق، دفع مکروب، احسان به پدر و مادر و چیزهایی از این قبیل، آیا بدون قصد قربت به ثوابی دست می‌یابد یا نه؟ فهرست بلند بالایی که ما از واجبات توصلی داریم که شخص آن را انجام می‌دهد، ولی توجهی به حکم ندارد یا این‌که توجه دارد ولی قصد قربت ندارد. عقاب هم دفع می‌شود گناهی هم مرتکب نشده است اما آیا ثواب می‌برد یا نه؟ اینجا است که یک احتمال وجود دارد که بله ثواب می‌برد؛ چراکه این عمل اطاعت خدا است و در اطاعت خدا بالاخره قصد قربت نبود، بدون قصد قربت هم اطاعت است و اطاعت مستوجب مدح است و احياناً موجب ثواب است.» (اعراف، درس خارج اصول فقه: ۱۳۹۱/۰۸/۰۸)

۳-۳ عدم ترتب ثواب و ترتب پاداش بر توصلیات فاقد قصد قربت

نگارنده معتقد است که می‌توان دیدگاه سومی ارائه کرد که به نوعی حد وسط دو دیدگاه یاد شده باشد. بر اساس دیدگاه مختار، بر توصلیات بدون قصد قربت، ثواب مترتب نمی‌شود؛ اما این افعال دارای اجر و پاداش استحقاقی و یا تفضلی (تفضل واجب و تفضل لطفی) هستند.

توضیح آن‌که، نتیجه و پی‌آمد افعال نیک به سه صورت قابل فرض است. گاهی در پی فعل نیک «ثواب» قرار می‌گیرد که نفع استحقاقی همراه با تعظیم و تکریم است. گاهی «عوض» قرار دارد که نفع استحقاقی بدون تعظیم و تکریم است که فرد به سبب زحمت و مشقت تحمل شده، آن را دریافت می‌کند. گاهی نیز «تفضل» است که نفع غیر استحقاقی و بدون تعظیم و تکریم می‌باشد. (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۶)

تفاوت نفع استحقاقی و نفع غیر استحقاقی آن است که در استحقاق فرد طلبکار ثواب است؛ اما در تفضل طلبی در میان نیست و اگر خدا نفعی عطا کند لطف کرده و اگر عطا نکند، کسی چیزی را طلب نخواهد کرد. همان‌گونه که گذشت ثواب به دو قسم تکوینی و قراردادی تحلیل می‌شود. طبق دیدگاه مختار و مطابق ادله مورد استناد دیدگاه نخست -ادله نقلی که ترتب ثواب را منوط به قصد قربت دانسته‌اند- ثواب قراردادی ناظر به

۱. روایات فراوانی از ثواب برای افعال توصلی نظیر دفاع از وطن، ازدواج، سلام کردن و ... حکایت دارند که در هیچکدام ثواب متوقف و منوط به قصد قربت نشده است. (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق: ۱۶۰ و ۱۹۰؛ همو، ۱۳۶۲: ۲/ ۴۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۵/ ۱۲۰)

حُسن فاعلی است و خدای متعالی ثواب را تنها به مسلمانان و مومنانی عطا می‌کند که عمل را خالص و با قصد قربت انجام داده باشند.

وجدان و سیره عقلا شاهد این مطلب است که پرداخت منفعت همراه با تعظیم و تکریم، تنها در صورتی صحیح است که فرد نیکوکار افعال خود را با قصد قربت و امتثال امر مولا انجام دهد و در صورتی که عملی به صورت تبرعی انجام شود، استحقاق ثواب و پاداش ساقط می‌شود. همانند کسی که چیزی را گم کرده و برای یابنده آن مزدگانی در نظر می‌گیرد. اگر فردی با اطلاع از مزدگانی گم شده را یافته و تحویل دهد، طلبکار مزدگانی شده و در صورت عدم پرداخت مزدگانی، به او ظلم شده و می‌تواند شکایت نماید؛ اما اگر فردی بدون اطلاع از مزدگانی گم شده را یافته و تحویل دهد، مستحق مزدگانی نیست و در صورت عدم پرداخت نیز حق شکایت ندارد، چراکه او با قصد تبرعی و مجانی و نه با نیت دریافت مزدگانی این عمل را انجام داده است.^۱ (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۱۱/ ۱۵۰-۱۵۱) بله، اعطای مزدگانی تفضل و لطفی است که صاحب مال می‌تواند انجام دهد؛ اما بر او واجب نیست.

براین اساس، انجام هر فعلی از جمله توصیلات بدون قصد قربت و صرفاً برای رسیدن به منافع ظاهری و دنیوی آن (نظیر دفن میت برای تکریم میت و عدم انتشار بوی تعفن) فاقد حسن فاعلی است و ثواب قراردادی به معنای پرداخت نفع همراه تعظیم و تکریم منتفی می‌شود.

البته این به معنای فقدان هرگونه اجر و پاداش قراردادی (نه ثواب تکوینی) در توصیلات فاقد قصد قربت نیست. در صورتی که انجام توصیلات موجب زحمت و تحمل مشقت برای فرد شود، آن فرد مستحق عوض است که سختی تحمل شده را جبران سازد، لذا بر خدای سبحان لازم و واجب است تا به این فرد پاداشی عطا کرده و رنج و سختی که او به سبب انجام افعال نیک متحمل شده را جبران نماید. این پاداش اگرچه ثواب نیست؛ اما استحقاقی و واجب است و فرد حتماً به پاداش خویش خواهد رسید. با مطالعه و بررسی افعال توصیلی (مثل دفن میت، جهاد، ادای دین و ...) مشخص می‌شود، انجام بیشتر آن‌ها دارای سختی و مشکلاتی هستند، لذا در مسأله باید گفت که بر افعال توصیلی اجر و پاداش استحقاقی مترتب می‌شود. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۲۳۲-۲۳۳)

در صورتی که انجام افعال توصیلی فاقد قصد قربت باشند و انجام آن‌ها نیز سختی و مشقتی نداشته باشند، ثواب قراردادی به سبب فقدان قصد قربت و پاداش قراردادی (عوض) به دلیل عدم تحمل مشقت و سختی در کار نخواهد بود. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۲۳۲-۲۳۳) در این صورت ممکن است خدا با رحمت و مهربانی خویش نفع قراردادی (تفضل) به فرد نیکوکار برساند.

۱. این مسأله طبق دیدگاهی است که جعاله را عقد و نه ایقاع می‌داند.

البته توصیاتی که در متون دینی وعده پاداش برای فاعل آن‌ها بیان شده، به سبب وجوب عمل به وعده، بر خدا واجب است که نفع تفضلی را به فرد نیکوکار برساند و اشتراط قصد قربت و تحمل سختی معیار و ملاک نخواهد بود.

گفتنی است، با توجه به وعده الهی بر پاداش در برخی افعال توصلی نظیر جهاد،^۱ امر به معروف و نهی از منکر^۲، مسواک زدن^۳ سلام و جواب سلام^۴ و ... شاید بتوان مدعی شد که سیره و سنت الهی، تفضل به فاعل‌های افعال توصلی است. همچنین به نظر می‌رسد خدای متعالی برای ایجاد تفاوت میان افعال مباح و توصلیات بر افعال توصلی پاداش قراردادی مترتب سازد.

براین اساس، دیدگاه مختار آن است که مبنای دیدگاه نخست مبنی بر اختصاص ثواب با تعریف یاد شده (نفع استحقاقی همراه تعظیم و تکریم) بر حُسن فاعلی صحیح است و فعل فاقد حُسن فاعلی هیچ ثواب قراردادی ندارد؛ لیکن این سخن به معنای فقدان هرگونه پاداش استحقاقی در انجام افعال توصلی نیست. توصلیات به هر صورتی که انجام شوند، دارای اجر و پاداش هستند، لذا میان توصلیات و مباحات تفاوت وجود دارد.

با مراجعه به روایاتی که پاداش‌هایی برای توصلیات بیان کرده‌اند، روشن می‌شود که این روایات از اعطای پاداش‌ها به افراد نیکوکار حکایت دارند؛ اما در مقام بیان چگونگی اعطای این پاداش‌ها (این‌که این پاداش‌ها و منافع به صورت «نفع استحقاقی همراه با تعظیم و تکریم» یعنی ثواب، «نفع استحقاقی بدون تعظیم و تکریم» یعنی عوض و «نفع غیر استحقاقی و بدون تعظیم و تکریم» یعنی تفضل به فرد نیکوکار می‌رسند) نیستند، لذا اصل این پاداش‌ها به سبب وجود دلیل خاص و وعده الهی قطعی و حتمی است و مشروط به وجود قصد قربت نیست؛ لیکن کیفیت اعطای آن‌ها منوط به چگونگی انجام اعمال است که روایات در مقام بیان این مسأله نیستند.

در پایان گفتنی است، تمام مسائل بیان شده در نظریه مختار، پیرامون ثواب قراردادی و الهی است. ثواب تکوینی ارتباطی با حُسن فاعلی (قصد قربت و اسلام و ایمان) نداشته و با حُسن فعلی و ذاتی پدیدار می‌شود. برخی از این آثار وضعی و تکوینی در دنیا محقق شده و فرد از نعمت‌های دنیوی بهره می‌برد. بخش عمده اثر تکوینی در آخرت و قیامت ظاهر گشته و فرد نتیجه تکوینی عمل خویش را مشاهده کرده و از نتایج آن بهره می‌برد.

۱. «خَبُولُ الْغَزَاةِ هِيَ خَبُولُهُمْ فِي الْجَنَّةِ»، (شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق: ۱۹۰)

۲. «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ»، (همان: ۱۶۰)

۳. «فِي السَّوَاكِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً ... مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ ... وَ يُضَاعَفُ الْحَسَنَاتِ ... تَحْضَرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ ... رَكَعَتَيْنِ بِسَوَاكِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِغَيْرِ سَوَاكِ»، (همو، ۱۳۶۲: ۲ / ۴۸۰)

۴. «لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً تِسْعٌ وَ سِتُونَ لِلْمَبْتَدِئِ وَ وَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ»، (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۵ / ۱۲۰)

این پژوهش به کارآمدسازی احکام ناظر بر توصیلات از رهگذر ترتب ثواب پرداخته است. درباره ترتب ثواب بر افعال نیک توصلی دو دیدگاه وجود دارد: بر اساس دیدگاه اول و رایج، ترتب ثواب بر توصیلات مشروط به وجود قصد قربت است، در حالی که مطابق دیدگاه دوم، ترتب ثواب مشروط به وجود قصد قربت نیست.

دیدگاه رایج بر پایه ادله نقلی که اسلام، ایمان و قصد قربت را از شروط ترتب ثواب معرفی می کنند، مدعای خویش را ثابت می کند. در مقابل، دیدگاه دوم با استناد به ادله ای از جمله تمایز میان مستحبات توصلی و مباحات، اطلاق روایات ترتب ثواب بر توصیلات و عدم تقیید آن ها با ادله محدود و اختصاص ادله مقید کننده به عبادات، بر عدم اشتراط قصد قربت در ترتب ثواب اعمال توصلی استدلال می کند و با مترتب دانستن ثواب به افعال توصلی فاقد قصد قربت در صدد اقبال بیشتر مردم به افعال توصلی است.

در این تحقیق با طرح دیدگاهی جدید روشن شد، ثواب دارای دو قسم تکوینی و قراردادی است. ثواب تکوینی که ناظر به حُسن فعلی و ذاتی است، ارتباطی با قصد قربت نداشته و بدون قصد قربت نیز افعال توصلی دارای ثواب تکوینی هستند. ثواب قراردادی ناظر به حُسن فاعلی است که تنها در صورت وجود قصد قربت حاصل می شود، لذا بر افعال توصلی بدون قصد قربت ثواب قراردادی مترتب نمی شود؛ لیکن این به معنای فقدان هرگونه اجر و پاداش قراردادی برای فاعل نبوده و در صورت تحمل سختی و مشقت از سوی فاعل توصیلات، خدای متعالی عوض استحقاقی و در صورت عدم تحمل رنج خدای سبحان تفضل غیر استحقاقی عنایت خواهد کرد. البته خدا در برخی افعال وعده پاداش داده که در این موارد به سبب وجوب عمل به وعده، پاداش اعطا شده، استحقاقی خواهد بود.

ثواب تکوینی ناظر به حُسن فعلی و ذاتی است و از آن جا که محل بحث واجبات و مستحبات توصلی است، همگی دارای ثواب تکوینی هستند.

براین اساس، طبق نظریه مختار افعال توصلی بدون قصد قربت دارای ثواب تکوینی و پاداش قراردادی واجب هستند که با تأکید بر این جهت اقبال بیشتری به انجام افعال توصلی و به ویژه مستحبات توصلی حاصل شده و موجب کارآمدی بیشتر این دسته از احکام می شود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق)، **دعائم الإسلام**، تحقیق آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
۲. استرآبادی، محمد جعفر (۱۳۶۳)، **البراهین القاطعة**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱)، **المحاسن**، تحقیق جلال الدین محدث، قم، دار الكتب الإسلامية.
۴. جعفر بن محمد (ع) (۱۴۰۰ق)، **مصباح الشریعة**، امام ششم، بیروت، اعلمی.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، **تفسیر موضوعی قرآن کریم** * **مبایء اخلاق در قرآن**، تنظیم و ویرایش حسین شفیعی، قم، مرکز نشر اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، **تسنیم** * **تفسیر قرآن کریم**، قم، مرکز نشر اسراء.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، **الصالح * تاج اللغة و صحاح العربیة**، تحقیق احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین.
۸. حلی، علامه (۱۴۱۳ق)، **کشف المراد**، قم، شکوری.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۹۴)، **انوار الهدایه فی تعلیه علی الکفایه**، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. خمینی، روح الله (۱۳۹۸)، **مناهج الوصول الی علم الاصول**، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۸)، **اجود التقريرات**، قم، کتاب فروشی مصطفوی.
۱۲. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۷ق)، **التنقیح فی شرح العروه الوثقی**، قم، لطفی.
۱۳. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ق)، **محاضرات فی الاصول**، قم، انتشارات انصاریان.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **مفردات ألفاظ القرآن**، دمشق، دار القلم - الدار الشامیة.
۱۵. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۷ق)، **الاسماء الثلاثة (الله، الرب، والعبادة)**، قم، مؤسسه الإمام الصادق (ع).
۱۶. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۷ق)، **بحوث فی الملل و النحل**، قم، مؤسسه الإمام الصادق (ع).
۱۷. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۸ق)، **محاضرات فی الالهیات**، قم، مؤسسه الإمام الصادق (ع).
۱۸. شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۹۹۲م)، **الاعتصام**، عربستان، دار ابن عفان.
۱۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة.
۲۰. شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، **رسالة فی التسامح فی ادلة السنن**، قم، جنه تحقیق تراث الشیخ الأعظم.
۲۱. شیخ صدوق، ابن بابویه (محمد بن علی) (۱۴۰۶ق)، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، قم، دار الشریف الرضی.
۲۲. صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۶ق)، **دروس فی علم الاصول**، بیروت، دار الكتاب اللبنانی.
۲۳. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۳۶۰)، **اسرار الآیات**، تهران، انجمن حکمت و فلسفه.
۲۴. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۹۸۱م)، **الحكمة المتعالية فی الاسفار العقلیة الاربعة**، بیروت، دار احیاء التراث.
۲۵. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)**، محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
۲۶. ضیاء الدین عراقی، علی بن ملا محمد (۱۴۱۴ق)، **مقالات الاصول**، قم، چاپ محسن عراقی و منذر حکیم.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
۲۸. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید (۱۴۳۴ق)، **المحکم فی أصول الفقه**، قم، دار الهلال.
۲۹. طریحی، فخر الدین بن محمد علی (۱۴۱۶ق)، **مجمع البحرین**، تهران، مرتضوی.
۳۰. طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۴۰۷ق)، **تجريد الاعتقاد**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۱. طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۹۸۵م)، **تلخیص المحصل**، بیروت، دار الأضواء.

۳۲. عریضی، علی بن جعفر (۱۳۶۷)، *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*، مشهد، المؤتمر العالمي للإمام الرضا (ع).
۳۳. علی بن موسی (ع) (۱۴۰۶ق)، *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع)*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
۳۴. عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی (۱۳۸۰ق)، *التفسير*، تهران، چاپخانه علمیه تهران.
۳۵. غروی، محمد حسین (۱۲۶۱ق)، *الفصول الغروية في الاصول الفقهية*، بی نا، تهران.
۳۶. فضل بن شاذان (۱۴۰۲ق)، *الأيضاح*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۷. فیاض، محمد اسحاق (۱۴۲۲ق)، *محاضرات في اصول الفقه*، تقریرات درس آیه الله خوئی، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۳۸. فیومی، احمد بن محمد مقری (بی تا)، *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي*، قم، منشورات دار الرضی.
۳۹. قاضی عبدالجبار (۱۹۶۵م)، *المعنى في أبواب التوحيد و العدل*، قاهره، دار المصریه.
۴۰. کاظمی خراسانی، محمد علی (۱۳۷۶)، *فوائد الأصول*، تقریرات درس محمد حسین غروی نائینی، قم، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۴۱. لاهیجی، فیاض (۱۳۸۳)، *گوهر مراد*، تهران، نشر سایه.
۴۲. متقی، علی بن حسام (۱۴۲۴ق)، *کنز العمال*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۴۴. محقق خراسانی، محمد کاظم (۱۳۷۲)، *کفایة الأصول*، تهران، اسلامیه.
۴۵. مشکینی، علی (علی اکبر فیض) (۱۳۷۱)، *اصطلاحات الأصول*، قم، نشر الهادی.
۴۶. مظفر، محمد رضا (۱۳۷۵)، *أصول الفقه*، قم، اسماعیلیان.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق)، *أنوار الأصول*، تنظیم احمد قدسی، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۴۸. منتظری، حسین علی (۱۳۷۵)، *نهاية الأصول*، تقریر مباحث آیت الله بروجردی، قم، مطبعة الحكمة.
۴۹. شیخ صدوق، ابن بابویه (محمد بن علی) (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم، جامعه مدرسين.

منابع اینترنتی

۵۰. اعرافی، علیرضا، *درس خارج فقه تربیتی*، (۱۳۷۷/۱۱/۰۶)، قم، سایت مدرسه فقاها.
۵۱. اعرافی، علیرضا، *درس اصول فقه*، (۱۳۹۱/۰۸/۰۷)، قم، سایت مدرسه فقاها.
۵۲. اعرافی، علیرضا، *درس اصول فقه*، (۱۳۹۱/۰۸/۰۸)، قم، سایت مدرسه فقاها.
۵۳. اعرافی، علیرضا، *درس فقه روابط اجتماعی*، (۱۳۹۹/۱۲/۱۲)، قم، سایت مدرسه فقاها.
۵۴. اعرافی، علیرضا، *درس فقه روابط اجتماعی*، (۱۳۹۹/۱۲/۱۳)، قم، سایت مدرسه فقاها.
۵۵. هادوی تهرانی، استفتانات:

hadavi.info/fa/archive/question/fa7006